

## تست میلون (MCMI-III)

کد آزمون شما : 108627132

با وارد کردن کد آزمون در بخش فرم نمایش آزمون در صفحه آزمون ها می توانید وارد نتیجه آزمون خود شوید

|         |       |
|---------|-------|
| نام     | ---   |
| سن      | 20    |
| جنسیت   | مرد   |
| تحصیلات | دیپلم |

گفتنی است مقیاس هایی که نمره BR آنها پایین تر از 60 است از نظر ویژگی های شخصیتی در دامنه بهنجار و عادی قرار می گیرند و دارای اهمیت به شمار نمی روند. در مقیاس هایی که نمره BR آنها در دامنه 60 تا 74 هستند، ویژگی های آن مقیاس به صورت خفیف یا زیرآستانه ای است. در مقیاس هایی که نمره BR آنها بین 75 تا 84 است احتمال وجود ویژگی یا اختلال به شکل بالینی بالاست و باید جدی گرفته شوند. مقیاس هایی که نمره BR آنها 85 یا بالاتر است نشان دهنده وجود اختلال بارز در آن مقیاس است.

|                   |                                               |
|-------------------|-----------------------------------------------|
| کد آسیب شخصیت     | 3 ** 2B * 48A8B6B + 2A6A7 " 15 " // ** - * // |
| کد نشانگان بالینی | ** - * NDA + RHB " T " // ** - * SSCC //      |

| مقیاسها | - 115<br>85 | - 84<br>75 | - 74<br>60 | 0 - 59 | نمره<br>BR | نمره<br>خام | نشانه |                  |
|---------|-------------|------------|------------|--------|------------|-------------|-------|------------------|
| افشا    |             |            |            |        | 80         | 158         | X     | شاخصهای<br>اصلاح |
| مطلوبیت |             |            |            |        | 40         | 10          | Y     |                  |
| بدنمایی |             |            |            |        | 78         | 23          | Z     |                  |

|                         |    |    |    |             |                  |
|-------------------------|----|----|----|-------------|------------------|
| الگوهای بالینی<br>شخصیت | 1  | 8  | 28 | <div></div> | اسکیزوپید        |
|                         | 2A | 12 | 55 | <div></div> | دوری گزین        |
|                         | 2B | 17 | 79 | <div></div> | افسرده           |
|                         | 3  | 20 | 85 | <div></div> | وابسته           |
|                         | 4  | 16 | 74 | <div></div> | نمایشی           |
|                         | 5  | 12 | 23 | <div></div> | خودشیفته         |
|                         | 6A | 11 | 48 | <div></div> | ضد اجتماعی       |
|                         | 6B | 18 | 62 | <div></div> | دیگر آزار        |
|                         | 7  | 14 | 38 | <div></div> | وسواسی           |
|                         | 8A | 19 | 68 | <div></div> | منفی گرا         |
|                         | 8B | 15 | 65 | <div></div> | خود آزار         |
| آسیب شدید<br>شخصیت      | S  | 13 | 56 | <div></div> | اسکیزوتایپال     |
|                         | C  | 13 | 55 | <div></div> | مرزی             |
|                         | P  | 13 | 56 | <div></div> | پارانوید         |
| نشانگان بالینی          | A  | 9  | 62 | <div></div> | اختلال اضطراب    |
|                         | H  | 9  | 51 | <div></div> | شبه جسمی         |
|                         | N  | 15 | 73 | <div></div> | مانیک            |
|                         | D  | 15 | 64 | <div></div> | افسرده خویی      |
|                         | B  | 7  | 36 | <div></div> | وابستگی به الک   |
|                         | T  | 4  | 11 | <div></div> | وابستگی به مواد  |
|                         | R  | 12 | 58 | <div></div> | استرس پس از ضربه |
| نشانگان شدید            | SS | 14 | 66 | <div></div> | اختلال تفکر      |
|                         | CC | 14 | 63 | <div></div> | افسردگی اساسی    |
|                         | PP | 6  | 42 | <div></div> | اختلال هذیانی    |

## تفسیر تست

چنانچه با دقت پرسش های آزمون را خوانده باشید و به درستی به آنها پاسخ داده باشید، نیمرخي که به دست آمده گویاي آن است که دارندگان این نیمرخ:

گرایش به تکیه کردن به دیگران برای جلب حمایت و راهنمایی دارند. این افراد کنش‌پذیر (منفعل)، وابسته، کمرو و خالی از نوآوری، اطمینان و خود مختاری هستند. توان مراقبت از خود را ندارند و در جست و جوی فردی برای پشتیبانی از خود هستند. پیوسته احساس بی‌کفایتی و ناامنی می‌کنند و خود را از دیگران ناتوان‌تر و ناکارآمدتر می‌دانند. به افرادی که برای آنها تصمیم‌گیری می‌کنند وابستگی زیادی دارند. از رقابت پرهیز می‌کنند. به دست آوردن حمایت، محبت و امنیت، این افراد را خشنود می‌کند و در جست و جوی روابطی هستند که بتوانند با تکیه به دیگران پشتیبانی عاطفی به دست آورند. در هنگام تنهایی احساس درماندگی می‌کنند. نیاز به حمایت آنان را واهی دارد به دیگران وابسته و فرمان‌بردار آنان باشند. در عین حال در هنگام تهدید، به جست‌وجوی کمک از دیگران یا سازمان‌های یاری‌کننده می‌پردازند. آنان خودپنداره ضعیف و شکننده دارند، از پذیرش مسئولیت خودداری می‌کنند. در رویارویی با فشار روانی ممکن است دچار اختلال‌های اضطرابی، افسردگی و سوء مصرف مواد شوند. ترس از ازدست دادن حمایت از سوی دیگران ممکن است این افراد را وادار سازد هیجان‌ها و احساسات خود را پنهان کنند. در هنگام کشمکش و بروز مشکلات بحث‌برانگیز، هرگز موضع قاطع و روشنی ندارند. در رویارویی با شرایط استرس‌زا، از سبک مقابله مداخله نکردن و کناره‌گیری بهره می‌گیرند. شرایط خانواده پدری خود را کنترل کننده می‌دانند که به آنها اجازه استقلال کمی داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که این نیمرخ در میان بیماران روانشناختی و افراد دچار پرخوری بیشتر دیده می‌شود. این نیمرخ همچنین در میان کسانی که دچار ضربه به سر شده‌اند و با هدف دریافت خسارت از بیمه ارزیابی شده‌اند، دیده شده است.

## 2b:79

عبوس، گرفته، بدبین، بسیار جدی، ساکت و کنش‌پذیر (منفعل) هستند. در رویارویی با رویدادهای منفی به آسانی دچار پریشانی می‌شوند. عزت نفس پایینی دارند، گرایش به ناراحتی و نگرانی بی‌مورد دارند. از سوی دیگر با وجدان و مسئولیت‌پذیرند و به خاطر کوچک‌ترین لغزش از خود انتقاد می‌کنند. اغلب افسرده به نظر می‌رسند. براین باورند کوشش‌های آنها برای بهبود روابطشان با دیگران سودی در پی ندارد. رفتار بی‌روح آنها اغلب دیگران را از آنها دور می‌کند. این افراد پیوسته احساس گناه می‌کنند. آنها برای جلب پذیرش و حمایت، خود را به دیگران وابسته می‌دانند. ابراز خشم برای آنها دشوار است و اغلب خشم خود را فرو می‌خورند. با وجود خلق افسرده و افکار منفی خود را افسرده نمی‌دانند. ممکن است با برخی مشکلات شغلی و زناشویی روبرو باشند. به نظر می‌رسد که دچار سبک شخصیتی افسرده هستند.

## z:78

فرد کوشیده است خود را در پرسش نامه بد جلوه دهد. آنها عزت نفس پایینی دارند و بدبین هستند. با کوچک‌ترین تحریک خشمگین می‌شوند و یا به گریه می‌افتند. این احساس را دارند که دوست داشتنی نیستند و یا دیگران از آنها خوششان می‌آید. احساس تنش و ناراحت بودن از دیگران، یا احساس گناه یا افسردگی، گرایش به آزار رساندن به دیگران در آنها دیده می‌شود.

پاسخ‌ها:

|   |                                                                                                     |     |
|---|-----------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| 1 | اخیرا، حتی صبح‌ها احساس ضعف و بی‌حالی می‌کنم.                                                       | بله |
| 2 | برای قوانین و مقررات احترام زیادی قائلم، زیرا از حقوق افراد حمایت می‌کنند.                          | بله |
| 3 | به قدری از انجام دادن کارهای مختلف لذت می‌برم، که نمی‌توانم تصمیم بگیرم، کدام یک را اول انجام بدهم. | بله |
| 4 | بیشتر وقت‌ها احساس ضعف و خستگی می‌کنم.                                                              | بله |

|    |                                                                                            |     |
|----|--------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| 5  | چون فکر می کنم آدم بزرگ و مهمی هستم برایم مهم نیست که دیگران در مورد من چه فکری می کنند.   | نه  |
| 6  | دیگران به اندازه کافی قدر کارها و زحمات مرا نمی دانند.                                     | بله |
| 7  | اگر خانواده ام به من زور بگویند احتمالا عصبانی می شوم و در برابر خواست آنها مقاومت می کنم. | بله |
| 8  | مردم پشت سرم در مورد قیافه و رفتارم حرف می زنند و مسخره ام می کنند.                        | بله |
| 9  | اغلب اگر کسی اذیتم کند به شدت از او انتقاد می کنم.                                         | بله |
| 10 | به ندرت تحت تاثیر چیزی قرار می گیرم                                                        | نه  |
| 11 | هنگام راه رفتن نمی توانم تعادلم را حفظ کنم.                                                | نه  |
| 12 | به آسانی و به سرعت احساساتم را بروز می دهم                                                 | بله |
| 13 | استعمال مواد مخدر اغلب مرا به دردسر می اندازد                                              | نه  |
| 14 | گاهی اوقات با خانواده ام بسیار تند و خشن برخورد می کنم.                                    | بله |
| 15 | خوشی های من دوام چندانی ندارند.                                                            | بله |
| 16 | من آدمی خیرخواه و فروتن هستم.                                                              | بله |
| 17 | در نوجوانی به خاطر رفتار بدی که در مدرسه داشتم دچار دردهای فراوانی می شدم                  | نه  |
| 18 | از ارتباط نزدیک با دیگران می ترسم، زیرا ممکن است رسوا شوم و مسخره ام کنند                  | بله |
| 19 | دوستانی را انتخاب می کنم که بدی هایم را به من گوشزد کنند.                                  | نه  |
| 20 | اغلب از دوره کودکی افکار غم انگیزی به خاطر دارم.                                           | نه  |
| 21 | من ارتباط با جنس مخالف را دوست دارم.                                                       | بله |
| 22 | بسیار دمدمی مزاج هستم، دایم نظرات و احساساتم را تغییر می دهم.                              | نه  |
| 23 | هرگز مصرف مواد مخدر، مشکل جدی در کارم به وجود نیاورده است .                                | نه  |
| 24 | چندسالی است که احساس می کنم در زندگی شکست خورده ام.                                        | بله |
| 25 | نمی دانم چرا اغلب دچار پشیمانی و احساس گناه می شوم.                                        | بله |
| 26 | دیگران نسبت به قدرت من حسادت می کنند.                                                      | بله |
| 27 | اگر حق انتخاب داشته باشم ترجیح می دهم تنها کار کنم.                                        | بله |
| 28 | فکر می کنم نظارت و کنترل دقیق بر اعضای خانواده ام لازم و ضروری است.                        | بله |
| 29 | دیگران مرا آدمی گوشه گیر و منزوی می دانند.                                                 | بله |
| 30 | اخیرا دلم می خواهد چیزها را بشکنم.                                                         | نه  |
| 31 | من با جذابیت خودم می توانم توجه هر فرد خاصی را به خودم جلب کنم.                            | نه  |
| 32 | من همیشه دنبال این هستم که دوستان جدیدی پیدا کنم و با افراد تازه ای نشست و برخاست کنم.     | بله |

|    |                                                                                                      |     |
|----|------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| 33 | اگر کسی از من انتقاد کند فوراً خطاها و عیب های او را بیان می کنم.                                    | بله |
| 34 | تازگی ها به کلی خرد شده ام.                                                                          | بله |
| 35 | اغلب از انجام کار دست می کشم، زیرا می ترسم آن را درست انجام ندهم.                                    | بله |
| 36 | اغلب خشم و عصبانیتم را بروز می دهم و بعد پشیمان می شوم.                                              | بله |
| 37 | گاهی قدرت حس کردن را در بعضی از قسمت های بدنم از دست می دهم.                                         | نه  |
| 38 | من بدون توجه به این که انجام کاری چه اثری بر دیگران دارد کارم را انجام می دهم.                       | نه  |
| 39 | مصرف مواد مخدر ممکن است عاقلانه نباشد ولی در گذشته حس می کردم به آن احتیاج دارم.                     | نه  |
| 40 | من آدم آرام و ترسوئی هستم.                                                                           | بله |
| 41 | اغلب احمقانه و بی مقدمه رفتار می کنم به طوری که بعداً مرا به دردسر می اندازد.                        | نه  |
| 42 | هرگز کسی را که از من سوء استفاده کرده نمی بخشم، یا موقعیت دردناکی را که تحمل کرده ام فراموش نمی کنم. | بله |
| 43 | اغلب بعد از آن که حادثه برایم اتفاق افتاد احساس ناراحتی و تنش می کنم.                                | بله |
| 44 | اکثر اوقات احساس افسردگی و ناراحتی وحشتناکی دارم.                                                    | بله |
| 45 | همیشه سعی می کنم دیگران را از خود خشنود کنم حتی اگر از آنها بدم بیاید.                               | بله |
| 46 | در مقایسه با دیگران ، همیشه کمتر به مسائل جنسی علاقه نشان داده ام.                                   | نه  |
| 47 | وقتی اتفاق بدی می افتد، احساس گناه می کنم.                                                           | نه  |
| 48 | از خیلی وقت پیش، صلاح خود را در این دیده ام که با دیگران کمتر رابطه داشته باشم.                      | نه  |
| 49 | از بچگی مواظب بودم کسی سرم کلاه نگذارد.                                                              | نه  |
| 50 | از آدم هایی که خیال می کنند هر کاری را می توانند بهتر از من انجام دهند متنفرم.                       | بله |
| 51 | وقتی حوصله ام سر برود، دوست دارم به کار پر هیجانی دست بزنم.                                          | بله |
| 52 | اعتیاد من مشکلاتی برای من و خانواده ام به وجود آورده است.                                            | نه  |
| 53 | تنبیه هرگز مانع انجام کاری که دوست دارم نشده است.                                                    | نه  |
| 54 | بارها بی دلیل، شادی و هیجان بیش از حد به من دست داده است.                                            | بله |
| 55 | چند هفته است که بی دلیل احساس خستگی و فرسودگی می کنم.                                                | بله |
| 56 | مدتی است که هیچ کاری را درست انجام نمی دهم و به این دلیل شدیداً احساس گناه می کنم.                   | بله |
| 57 | فکر می کنم آدمی اجتماعی و خونگرم هستم.                                                               | بله |
| 58 | اخیراً بسیار کم رو و خجالتی شده ام.                                                                  | نه  |
| 59 | برای روزهای تنگدستی پس انداز می کنم.                                                                 | بله |
| 60 | من به اندازه دیگران در زندگی شانس ندارم.                                                             | نه  |

|    |                                                                                             |     |
|----|---------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| 61 | دائم افکار و اندیشه ها، در ذهنم موج می زنند و رهایم نمی کنند.                               | بله |
| 62 | چند سالی است که از زندگی کاملاً دل‌سرد و ناامید شده‌ام.                                     | بله |
| 63 | چند سالی است که افراد زیادی در مورد زندگی خصوصی‌ام جاسوسی می‌کنند.                          | نه  |
| 64 | نمی‌دانم چرا ولی گاهی حرف‌های بد می‌زنم، صرفاً برای این که دیگران را رنجیده خاطر کنم.       | بله |
| 65 | در سال گذشته، بیش از 30 بار بر فراز اقیانوس اطلس پرواز کرده‌ام.                             | نه  |
| 66 | در گذشته اعتیاد به مواد مخدر باعث شده شغلم را از دست بدهم.                                  | نه  |
| 67 | فکرهای مهمی در سر دارم که مردم این زمانه آن را نمی‌فهمند.                                   | بله |
| 68 | اخیراً مجبورم بدون دلیل در مورد چیزی مکرراً فکر کنم.                                        | بله |
| 69 | از اکثر موقعیت‌های اجتماعی دوری می‌کنم زیرا می‌ترسم مردم از من انتقاد کنند یا مرا طرد کنند. | بله |
| 70 | بیشتر وقتها فکر می‌کنم شایسته موفقیت‌هایی که نصیبم شده است نبوده‌ام.                        | نه  |
| 71 | اغلب وقتی تنها هستم، احساس می‌کنم کسی کنارم ننشسته که دیده نمی‌شود.                         | نه  |
| 72 | اغلب به دیگران اجازه می‌دهم تصمیم‌های مهمی برایم بگیرند.                                    | نه  |
| 73 | احساس بی‌هدفی می‌کنم و نمی‌دانم در زندگی به کجا می‌روم.                                     | بله |
| 74 | ظاهراً نمی‌توانم بخوابم و بعد از خواب هم به اندازه قبل از خواب خسته‌ام.                     | بله |
| 75 | اخیراً خیلی عرق می‌کنم و کلافه‌ام.                                                          | نه  |
| 76 | پیوسته فکرهای عجیبی به سرم می‌زند کاش می‌توانستم از شر آنها خلاص شوم.                       | بله |
| 77 | حتی وقتی بیدارم متوجه آدم‌هایی که دور و برم هستند، نمی‌شوم.                                 | نه  |
| 78 | برایم مشکل است که بر هوس مشروب خواری خود غلبه کنم.                                          | نه  |
| 79 | من اغلب اوقات افسرده و غمگین هستم.                                                          | بله |
| 80 | پیدا کردن دوست برایم کار ساده‌ای است.                                                       | بله |
| 81 | از سوءاستفاده‌ای که در کودکی از من شده شرم‌منده‌ام.                                         | نه  |
| 82 | همیشه نگرانم که کارهایم خوب برنامه‌ریزی و تنظیم باشد.                                       | نه  |
| 83 | ظاهراً اغلب خلق و خویم از روزی به روز دیگر تغییر زیادی می‌کند.                              | بله |
| 84 | می‌ترسم ریسک کنم و چیزهای جدید را امتحان کنم.                                               | بله |
| 85 | سوءاستفاده کردن از کسی که خود اجازه چنین کاری را می‌دهد عیب نمی‌دانم.                       | نه  |
| 86 | مدتی است غمگین و گرفته‌ام و نمی‌توانم از این حالت خلاص شوم.                                 | بله |
| 87 | اغلب از دیدن آدم‌هایی که کند کار می‌کنند عصبانی می‌شوم.                                     | بله |
| 88 | در مهمانی‌ها هیچوقت گوشه‌گیر نیستم.                                                         | نه  |
| 89 | من آن‌چه اعضای خانواده‌ام انجام می‌دهند را زیر نظر دارم تا به چه کسی می‌توان اعتماد کرد.    | نه  |

|     |                                                                                                               |     |
|-----|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| 90  | گاهی در برابر مهربانی مردم دستپاچه و عصبانی می شوم.                                                           | بله |
| 91  | استعمال مواد مخدر باعث درگیری خانوادگی برایم شده است.                                                         | نه  |
| 92  | اکثر اوقات تنها هستم و این تنهایی را ترجیح می دهم.                                                            | بله |
| 93  | بعضی از اعضای خانواده ام می گویند که خودخواه هستم و فقط به خودم فکر می کنم.                                   | نه  |
| 94  | مردم خیلی راحت می توانند نظرم را نظرم را عوض کنند حتی اگر تصمیم نهایی را خودم گرفته باشم.                     | بله |
| 95  | بیشتر وقت ها به دیگران دستور می دهم و آنها را عصبانی می کنم.                                                  | نه  |
| 96  | قبلا دیگران به من گفته اند که به خیلی چیزها بیش از حد شور و علاقه نشان داده ام.                               | بله |
| 97  | بهتر است آدم زود بخوابد و زود بیدار شود.                                                                      | بله |
| 98  | احساس من نسبت به افراد مهم زندگی ام اغلب بین محبت و نفرت در نوسان است.                                        | بله |
| 99  | در جمع و موقعیت های اجتماعی همیشه مضطرب و کلافه ام.                                                           | بله |
| 100 | من هر روز مشروب می خورم.                                                                                      | نه  |
| 101 | قبول دارم که مسئولیت های خانوادگی را جدی نمی گیرم ، ولی باید آن ها را جدی بگیرم.                              | بله |
| 102 | از همان کودکی بتدریج رابطه خودم را با واقعیت از دست داده ام.                                                  | نه  |
| 103 | افراد آب زیرکاه اغلب سعی دارند کاری را که من انجام داده ام یا فکرم از من بوده است را به اسم خودشان تمام کنند. | بله |
| 104 | من نمی توانم شادی زیادی تجربه کنم چون احساس می کنم لیاقتش را ندارم.                                           | نه  |
| 105 | علاقه چندانی به دوست پیدا کردن و رفاقت ندارم.                                                                 | نه  |
| 106 | بارها در زندگیم وقتی شاد بودم و فعالیت زیادی داشتم حالت افسردگی به من دست داده است.                           | بله |
| 107 | اشتهایم را به کلی از دست داده ام.                                                                             | نه  |
| 108 | من از تنهایی و بی کسی و از این که به خودم متکی باشم می ترسم.                                                  | نه  |
| 109 | خاطره یک تجاوز وحشتناک در گذشته، دائم فکر مرا پریشان می کند.                                                  | نه  |
| 110 | در سال گذشته عکس من روی جلد مجله های زیادی چاپ شد.                                                            | نه  |
| 111 | ظاهرا علاقه ام را به اکثر فعالیت های لذت بخش مثل رابطه جنسی از دست داده ام.                                   | نه  |
| 112 | در یکی دو سال گذشته بسیار غمگین و دلسرد بوده ام.                                                              | بله |
| 113 | یکی دوبار با قانون مشکل داشته ام.                                                                             | نه  |
| 114 | بهترین راه اجتناب از اشتباه ، تجربه داشتن است.                                                                | بله |
| 115 | مردم به خاطر کاری که انجام نداده ام، به من تهمت می زنند.                                                      | بله |

|     |                                                                                                   |     |
|-----|---------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| 116 | اکثر اوقات عادت دارم برخی از مردم را اذیت کنم.                                                    | بله |
| 117 | گاهی مردم فکر می کنند من عجیب و غریب صحبت می کنم و صحبت های من برای آنها غریب و نا آشناست.        | بله |
| 118 | دوره هایی در زندگی من وجود داشته است که قادر به خرید مواد مخدر نبوده ام.                          | نه  |
| 119 | مردم تلاش دارند مرا بگیرند چون فکر می کنند من دیوانه ام.                                          | نه  |
| 120 | من هرکاری لازم باشد انجام می دهم تا فردی که دوستش دارم مرا ترک نکند.                              | بله |
| 121 | یکی دوبار در هفته پرخوری می کنم.                                                                  | نه  |
| 122 | فکر می کنم تمام فرصت های خوبی که برایم پیش آمد را از دست داده ام.                                 | بله |
| 123 | هیچ وقت نتوانستم از احساس غم و اندوه رهایی یابم.                                                  | بله |
| 124 | وقتی تنها و دور از خانه هستم اغلب احساس اضطراب و هراس می کنم.                                     | نه  |
| 125 | گاهی مردم از دست من عصبانی می شوند زیرا فکر می کنند من زیاد حرف می زنم یا تند صحبت می کنم.        | بله |
| 126 | امروزه اکثر افراد موفق، یا خوش شانس اند یا کلاه بردار.                                            | نه  |
| 127 | من نمی خواهم با دیگران رابطه نزدیک پیدا کنم چون مطمئنم به من علاقه مند می شوند.                   | نه  |
| 128 | بدون علت مشخصی احساس افسردگی می کنم.                                                              | بله |
| 129 | بعد از سالها همچنان در مورد حادثه ای که واقعا زندگی ام را تهدید می کرد، خواب های وحشتناک می بینم. | نه  |
| 130 | توان انجام کارهای روزمره ام را ندارم.                                                             | بله |
| 131 | وقتی به کمک احتیاج دارم الکل می نوشم.                                                             | نه  |
| 132 | من از فکر کردن در مورد این که چگونه در کودکی مورد سوء استفاده قرار گرفته ام متنفرم.               | نه  |
| 133 | وقتی همه کارها خوب پیش می رود دائم نگرانم، بزودی حادثه بدی اتفاق خواهد افتاد.                     | بله |
| 134 | وقتی حادثه بدی در زندگی ام اتفاق می افتد گاهی احساس ناتوانی می کنم و تقریباً دیوانه می شوم.       | نه  |
| 135 | واقعا از تنهایی و درماندگی و از دست دادن حمایت نزدیکانم که من به آنها وابسته ام، می ترسم.         | بله |
| 136 | می دانم که پول زیادی برای مواد مخدر خرج کرده ام.                                                  | نه  |
| 137 | همیشه قبل از شروع انجام کاری، باید اطمینان پیدا کنم که آن کار در آن مدت محدود تمام می شود         | نه  |
| 138 | می دانم که مردم پشت سرم صحبت می کنند.                                                             | بله |
| 139 | من در گرفتن عفو و بخشش دیگران مهارت دارم.                                                         | بله |
| 140 | می دانم که برایم نقشه کشیده اند.                                                                  | نه  |



|     |                                                                                                                    |     |
|-----|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| 141 | احساس می کنم که بیشتر مردم افکار پست و زشتی در مورد من دارند.                                                      | نه  |
| 142 | اغلب احساس تنهایی و پوچی می کنم.                                                                                   | بله |
| 143 | گاهی بعد از غذا خوردن خودم را مجبور به استفراغ می کنم.                                                             | نه  |
| 144 | من معتقدم که همه را خوشحال می کنم و دیگران مرا به خاطر کارهایی که انجام می دهم و حرف هایی که می زنم تحسین می کنند. | بله |
| 145 | دائم نگران کسی یا چیزی هستم.                                                                                       | بله |
| 146 | همیشه بی جهت فریب می خورم، به ویژه وقتی کسی خودش را برتر از من نشان می دهد.                                        | بله |
| 147 | دائم افکار اضطراب برانگیز به ذهنم می آید.                                                                          | بله |
| 148 | در زندگی ام چیزهای کمی وجود دارد که واقعا مرا خوشحال کند.                                                          | نه  |
| 149 | وقتی به سرنوشت دردناکی که در گذشته داشته ام فکر می کنم احساس ناکامی کرده و به مرگ می اندیشم.                       | نه  |
| 150 | از این که خیلی زود بیدار می شوم و دیگر نمی توانم بخوابم ناراحتم.                                                   | بله |
| 151 | من هرگز قادر به ابراز احساساتم نیستم چون در نظر مردم ارزشی ندارم.                                                  | بله |
| 152 | من مشکل اعتیاد دارم و تلاشم برای کنارگذاشتن آن ناموفق بوده است.                                                    | نه  |
| 153 | عده ای تلاش می کنند افکارم را کنترل کنند.                                                                          | بله |
| 154 | قبلا تلاش کرده ام خودم را بکشم.                                                                                    | نه  |
| 155 | من گرسنگی می کشم تا از همین هم که هست لاغر تر شوم.                                                                 | نه  |
| 156 | نمی دانم چرا برخی از مردم به من می خندند.                                                                          | بله |
| 157 | در ده سال گذشته هیچ ماشینی ندیده ام.                                                                               | نه  |
| 158 | از آدم هایی که مرا لمس می کنند بشدیدا می ترسم چون فکر می کنم آنها ممکن است به من صدمه بزنند.                       | نه  |
| 159 | چون آن ها از توانایی های فوق العاده من خبردارند می خواهد مرا دستگیر کنند.                                          | نه  |
| 160 | دائم فکرم درگیر حادثه ای است که برایم اتفاق افتاده است.                                                            | بله |
| 161 | ظاهرا کاری می کنم که دیگران فکر کنند می خواهم به خودم صدمه بزنم.                                                   | بله |
| 162 | اغلب آن قدر غرق افکارم می شوم که متوجه نمی شوم اطرافم چه می گذرد.                                                  | نه  |
| 163 | مردم به من می گویند لاغر هستم، اما من احساس می کنم خیلی چاقم.                                                      | نه  |
| 164 | وقایع هولناک گذشته دائم به فکر و خواب من می آیند.                                                                  | نه  |
| 165 | من به جز اعضای خانواده ام هیچ دوستی ندارم.                                                                         | نه  |
| 166 | من اغلب کارهایم را سریع انجام می دهم و در مورد چیزهایی که باید انجام دهم فکر نمی کنم.                              | بله |
| 167 | من به گونه ای حمایت دوستانم را جلب کرده ام که دیگران نمی توانند از من سوء استفاده کنند.                            | نه  |

|     |                                                                                                                         |     |
|-----|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| 168 | اغلب به وضوح چیزهایی می شنوم که مرا ناراحت می کند.                                                                      | بله |
| 169 | من همیشه برای نزاع با دیگران خودم را مجهز نگه می دارم زیرا از برخورد تندشان می ترسم.                                    | بله |
| 170 | من هر کار را چند بار انجام می دهم . گاهی به خاطر کاهش نگرانیم و گاهی به خاطر این که مطمئن شوم حادثه بدی اتفاق نمی افتد. | بله |
| 171 | تازگی ها به طور جدی به این فکر افتاده ام که به زندگیم خاتمه دهم.                                                        | نه  |
| 172 | مردم مرا آدمی منظم و مقرراتی می دانند.                                                                                  | نه  |
| 173 | وقتی به حادثه دردناکی که سالها پیش برایم اتفاق افتاد فکر می کنم دچار ترس و اضطراب می شوم.                               | بله |
| 174 | اگر چه من از دوست پیدا کردن می ترسم ولی مایلم دوستان بیشتری داشته باشم.                                                 | نه  |
| 175 | واقعیت این است که مردم می خواهند با من دوست شوند تا مرا خرد کنند.                                                       | نه  |